

کمیته تفسیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۱ (که در این مقاله "کمیته" نامیده می‌شود) نهاد تفسیرکننده هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۲ است که در حمایت از کاربرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) با این هیئت همکاری می‌کند. این کمیته متشکل از ۱۴ عضو دارای حق رای است که توسط معتمدان بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منصوب شده‌اند. اعضا بهترین تخصص فنی موجود و تنوع تجارت بین‌المللی و تجربه بازار درباره استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را به‌دست می‌دهند. کار کمیته با دریافت یک پرسش از ذینفعان آغاز می‌شود. سپس، کمیته تصمیم می‌گیرد آیا موضوع را به هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری ارجاع دهد یا نه. در صورت عدم نیاز ارجاع موضوع به هیئت، کمیته یک بیانیه منتشر می‌کند که در آن نحوه عمل درست در رابطه با موضوع را بیان می‌کند، تا راهنمای به‌کارگیری اصول مندرج در استاندارد برای به‌کارگیری یکنواخت آن باشد.

این مقاله می‌خواهد یکی از رهنمودهای نحوه به‌کارگیری الزامات و اصول استاندارد (استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۶ "اجاره‌ها" (IFRS16) و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۵ "درآمد حاصل از قرارداد با مشتریان" (IFRS15)) را برای پرسش‌های مطرح‌شده در محیط واقعی کسب و کار بررسی کند.

پشتوانه هر مقاله خوب حسابداری یک استاندارد جذاب گزارشگری مالی است. برخی تلاش می‌کنند این موضوع را مخفی نگه دارند. ولی

بعضی دیگر به منظور ادای احترام تلاش در نمایش این موضوع دارند. قبل از این که من به هر پرسشی از سوی دانشجویانم پاسخ دهم، یک تخته سفید (وایت‌برد) دارم که به آنها گفته‌ام عنوان استاندارد حسابداری مورد علاقه‌شان را بر روی آن بنویسند. این یک حرکت عامه‌پسند نیست، و موانع موجود بر سر این راه بیشتر هم می‌شود. در دنیای بزرگ نوآوری و اطلاعات، تفاوت‌های جزئی و ظریف بین استانداردهای حسابداری گاهی در جلب توجه موفق نمی‌شوند. به جرئت می‌گویم زمان‌هایی نیز هست که وقتی درباره پیشرفت‌های دنیای گزارشگری مالی صحبت می‌کنیم، ایجاد علاقه‌مندی و توجه در این باره اندکی دشوار است.

البته گاهی از اخبار این طور استنباط می‌شود که یک موضوع در گزارشگری مالی توانسته است توجه دانشجویان را به خود جلب کند. مثل وقتی که کاترین دانکرلسلی^۳ از اعضای هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۴ در توئیتر خود نوشت: "بلافاصله پس از تصویب IFRS16 کمیته در ساعت ۱۳:۴۰ موضوع حسابداری بازیکنان فوتبال را به بحث گذاشت." من بلافاصله متوجه شدم که موضوعی را برای جلب توجه دانشجویانم یافته‌ام.

تامین مالی فوتبال

تامین مالی فوتبال رفته رفته به عنوان یک موضوع رایج برای مباحثه تبدیل شده است. اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا)^۵، مسئول برگزاری مسابقات فوتبال در قاره اروپا، از سال ۲۰۰۹ قوانینی را با عنوان "بازی منصفانه مالی"^۶ مستقر کرد که از همان تاریخ به صورت ادواری روزرسانی می‌شود. هدف این قوانین جلوگیری از موضوعی است که در فوتبال به عنوان "دوپینگ

حسابداری و گزارشگری مالی

نقل و انتقال بازیکنان فوتبال

نویسنده:

آدام دلر

ترجمه:



علی نوراللهی فر



علی هدایتی

مالی" از آن نام برده می‌شود. یعنی در جایی که سرمایه‌گذاران مبالغی بسیار بیشتر از درآمدهایشان را برای رسیدن به موفقیت سرمایه‌گذاری می‌کند. مقررات بازی منصفانه مالی محصل تصمیمات اتخاذ شده با هدف پایدارسازی و دوام باشگاه فوتبال است. این قوانین با ایجاد شرایط مساعد برای پذیرش باشگاهها در رقابت‌های اروپایی مانند مسابقات لیگ قهرمانی اتحادیه فوتبال اروپا، به کاهش زیان‌های متحمل شده توسط آنها کمک می‌کند. هنگام نگارش این مقاله، باشگاه منچستر سیتی به دلیل نقض این قوانین به مدت دو سال از شرکت در رقابت‌های فوتبال اتحادیه اروپا محروم شده است. البته باشگاه از دادگاه رسیدگی به موضوعات ورزشی درخواست تجدیدنظر کرده است که نتیجه آن تا به حال مشخص نشده است.

پرسشی که در این جا پیش می‌آید این است که جایگاه هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کجای این موضوع قرار دارد؟ کمیته صورتجلساتی حاوی تصمیمات درباره شفاف‌سازی کاربرد بخشی از این استانداردها در شرایط محیطی مختلف تنظیم کرده است. IFRS16 که به تازگی لازم‌الاجرا شده است، و IFRS15 از ابزارهای ارزشمند برای محدود کردن تامین مالی خارج از ترازنامه و شناخت نادرست درآمد است که هر دو با مقررات بازی منصفانه مالی بسیار مرتبط هستند. علاوه بر این، پرسش‌های دیگری نیز وجود دارند، که به‌ناچار ما را به سوی بحث اخیر کمیته سوق می‌دهند.

درخواست انتقال

ماجرای جایی شروع شد که کمیته استعلامی درباره چگونگی شناسایی پرداخت‌های مرتبط با نقل و انتقال بازیکنان دریافت کرد. معاملاتی که به طور واضح منابع درآمدی باشگاهها هستند.

ولی طبق رویه جاری عموماً عایدی این نقل و انتقالات به عنوان درآمد در نظر گرفته نمی‌شوند. بلکه آنها را به عنوان سود و زیان واگذاری دارایی غیرجاری در نظر می‌گیرند. در این ارتباط، پرسشی توسط باشگاهی که اخیراً بازیکنی را خریداری کرده بود، از کمیته پرسیده شده بود. در این موارد، بازیکن از بازی در سایر باشگاهها منع می‌شود. زیرا باشگاه استخدام‌کننده قرارداد استخدامی با بازیکن تنظیم می‌کند که طبق آن بازیکن نمی‌تواند بدون توافق متقابل باشگاه را ترک کند. باشگاه قرارداد استخدامی بازیکن را به عنوان حق ثبت^۷ شناسایی و آن را در سرفصل دارایی‌های نامشهود طبقه‌بندی و گزارش می‌کند. مبلغ این دارایی طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۸ "دارایی‌های نامشهود" (IAS38) به بهای تمام شده تحصیل بازیکن شناسایی و ثبت می‌شود. وقتی باشگاه این بازیکن را طبق یک قرارداد انتقال به یک باشگاه دیگر می‌فروشد، مبلغ انتقال برای آزادسازی قرارداد استخدامی بازیکن را دریافت می‌کند. البته قرارداد قبلی به باشگاه جدید انتقال پیدا نمی‌کند. چراکه این قرارداد پس از انعقاد قرارداد جدید به خودی خود فسخ می‌شود.

درآمد یا واگذاری دارایی

پرسش دیگر از کمیته این است که باشگاه واگذارکننده این بازیکن، آیا باید عایدی دریافتی از این نقل و انتقال را طبق IFRS15 به عنوان درآمد شناسایی کند؟ یا آن را طبق IAS38 به عنوان بهای واگذاری دارایی نامشهود شناسایی کند؟ پیش‌نویس اولیه دستور جلسه^۸ با نحوه عمل جاری سازگار است و تصدیق می‌کند که این عایدی باید به عنوان واگذاری یک دارایی نامشهود تلقی شود.

کمیته بند ۱۱۳ از IAS38 را نقل کرد که طبق آن، سود و زیان واگذاری دارایی نامشهود برابر است با تفاوت عایدی واگذاری دارایی و ارزش دفتری آن. این مبلغ باید در صورت سود و زیان همزمان با ثبت دارایی وارد شود. با این توضیح که این عایدی نباید به عنوان درآمد شناسایی شود. کمیته این مبلغ را به عنوان بهایی برای فسخ حق ثبت بازیکن در نظر می‌گیرد، که به عنوان بهای ناشی از واگذاری دارایی نمایش داده می‌شود. بنابراین بر اساس IFRS15 هیچ مبلغی از این عایدات نباید به عنوان درآمد شناسایی شود.

آیا شناسایی درآمد نیز ممکن است؟

همان طور که انتظار می‌رود، پاسخ به این پرسش منفی و با نحوه عمل جاری سازگار است. ولی بخش جذاب این پاسخ، آن جا است که بیان می‌کند، در این معامله امکان شناسایی درآمد نیز وجود دارد. این قسمت پاسخی شگفت‌آور از سوی کمیته است. برای آن دسته از واحدهایی که در این معامله درآمد شناسایی می‌کنند، طبق IFRS15 حق ثبت مربوط نیز در زمان شناسایی اولیه نباید بر اساس IAS38 به عنوان دارایی نامشهود ثبت شود. بلکه طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۲ "موجودی کالا" (IAS2) باید در حساب‌ها به عنوان موجودی کالا ثبت شود. البته در مورد ارائه شده به کمیته این نحوه عمل قابل اجرا نیست. ولی در عین حال کمیته بیان می‌کند این نحوه عمل نیز ممکن است رخ دهد. کمیته خاطر نشان می‌کند در بند ۲ از IAS2 ذکر شده است که واحد تجاری باید الزامات مربوط به این استاندارد را در ارتباط با دارایی‌های نامشهودی که تعریف موجودی کالا را احراز می‌کنند، به کار گیرد.

- 1- The board's IFRS Interpretations Committee (IFRIC)
- 2- The International Accounting Standards Board (IASB)
- 3- Kathryn Donkersley
- 4- IASB
- 5- Uefa, the body responsible for organising European football competitions
- 6- Financial Fair Play (FFP)
- 7- registration right
- 8- tentative agenda
- 9- Grimsby Town

منبع:

Adam Deller, Football fever comes to the aid of Adam Deller over the application of accounting standards, ACCA, CPD technical article, IFRS and football finance, 01 April 2020- This article was first published in the April 2020 UK edition of Accounting and Business magazine.

آدام دِلر: کارشناس گزارشگری مالی، مدرس علی هدایتی: عضو و مدرس انجمن حسابداران خبره چارترد (ACCA)، منتور رسمی دانشگاه آکسفورد بروکس انگلستان، عضو کارگروه امور بین الملل انجمن حسابداران خبره ایران، دکتری حسابداری علی نورالهی فر: کارشناس ارشد حسابداری، دارای مدرک گزارشگری مالی بین المللی از انجمن حسابداران خبره چارترد (ACCA)

نگهداشت دارایی‌های باشگاهها فراهم می‌آورد. با این وجود ارزش دارایی نیز می‌تواند متفاوت باشد و به اقل بهای تمام شده و خالص ارزش بازیافتی گزارش شود. این بدان معنی است که حق ثبت می‌تواند برای مدت طولانی به دلیل استهلاک ناپذیر بودن طبق این روش نگهداری شود و ارزش خود را حفظ کند.

خالص ارزش بازیافتی نیز دستخوش قضاوت‌های بسیاری است. هر چه به انتهای قرارداد بازیکنان نزدیک می‌شویم میزان این قضاوت‌ها نیز در مقایسه با روش جاری نگهداشت به عنوان دارایی نامشهود افزایش چشمگیری خواهد داشت. در بعد تئوری این موضوع، رویه جاری در راستای تجدید ارزیابی دارایی، محل قضاوت‌های بسیاری است. به این دلیل که ارزش این حقوق به دلیل نداشتن بازار فعال به سهولت و دقت قابل تعیین نیست. در مواجهه با این موضوع به نظر می‌رسد تصمیم کمیته حفظ رویه موجود است. ولی کمیته راه تغییرات احتمالی را برای باشگاهها باز گذاشته است. این موضوع احتمالاً منجر به تغییرات خارج از انتظاری خواهد شد.

نتیجه‌گیری

همان طور که ملاحظه شد مجموع استانداردهای جدید حسابداری به همراه رویه‌های قدیمی‌تر توأماً مشغول به تلاش و کمک به حفاظت از جنبه‌های مختلف یک بازی فوتبال زیبا هستند. البته بسیار بعید به نظر می‌رسد که حتی نامی از اعضای هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در جایی برده شود. ولی آنان همچنان نقش بسیار اساسی در تار و پود صنعت فوتبال ایفا می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها:

با طبقه‌بندی بازیکنان به عنوان موجودی کالا، حق ثبت قرارداد آنان نیز باید به قصد فروش در روال عادی واحد تجاری نگهداری شود. کمیته بیان داشته است، در صورتی که فعالیت اصلی یک واحد تجاری پرورش و انتقال بازیکنان فوتبال باشد، طبقه‌بندی حق ثبت بازیکنان آن واحد به عنوان موجودی کالا متقاعدکننده است. این شرایط بستر جذابی را برای مباحثه فراهم می‌آورد. در حالی که بعضی از باشگاه‌های بزرگ فوتبال که به طور مرسوم به نظر نمی‌رسد به نقل و انتقال بازیکنان به عنوان بخشی از فعالیت‌های رایج خود مبادرت می‌کنند، ولی این موضوع ممکن است رفته رفته تغییر کند. مقررات بازی منصفانه مالی و گسترش روزافزون تعداد بازیکنان فوتبال در موسسات مختلف آکادمی فوتبال، در نتیجه می‌تواند به فروش بازیکنان مازاد به مقدار زیاد حتی برای باشگاه‌های بزرگ منجر شود.

به طور حتم درباره شمول نقل و انتقال بازیکنان فوتبال به عنوان بخشی از عملیات معمول باشگاه‌های کوچکتر می‌توان مباحثه کرد. به عنوان یکی از حامیان این قبیل باشگاه‌ها (باشگاهی به نام "گریمزی تاون"^۹ از لیگ دسته دو فوتبال انگلستان که طرفدارانی در جامعه بندری دارد و سرودی درباره ماهی می‌خوانند) می‌دانم که چشم‌انداز جالبی درباره نقل و انتقال بازیکنان به باشگاه‌های بزرگتر به زودی پیش رو خواهیم داشت. بنابراین در نهایت ما می‌توانیم باشگاه‌هایی را ببینیم که حق ثبت بازیکنانشان را به عنوان موجودی کالا در حسابهایشان نگهداری می‌کنند. این روند تکاملی می‌تواند منجر به بروز تغییراتی در حسابها شود. بدین ترتیب که این حقوق به جای مستهلک شدن در طول عمر قرارداد (طبق IAS38) می‌توانند به بهای تمام شده یا به اقل بهای تمام شده و خالص ارزش بازیافتی (طبق IAS2) نگهداری شوند. این امر باعث تاثیرگذاری بر روی سود سالانه می‌شود و زمینه را برای ایجاد تغییرات در روند